

Public Good and Benevolence in Christian Theology with Emphasis on View of David Hollenbac

Sakineh al-Shahir Beh Mahin Jafari

Doctoral student of Qur'an and Hadith Sciences, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Hosein Moradi Zanjani

Assistant Professor, Zanjan Branch, Islamic Azad University, Zanjan, Iran (corresponding author) hmoradiz@yahoo.com

Mozhgan Sarshar

Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Iran sarshar2008@gmail.com

۵۱

پژوهشنامه ادیان

Abstract:

In an era where religious groups are accused of having religious interests and motivations that may hinder their participation in countering other religious groups, theologians strive to demonstrate that the religious tradition they belong to is conducive to benevolence, assistance, participation in the public sphere, and charity. The present study aims to focus on the thoughts of David Hollenbach in his book "Public Goods and Christian Ethics" to examine the efforts of Christian scholars in showcasing the compatibility between participation in public goods and Christian ethics. To this aim a descriptive –analytical, with data obtained through document analysis and examined using qualitative content analysis methods was used. The results indicate that in modern Christian theology, efforts are made to focus on solving the problems of individuals and human societies. Christian theologians have tried to present a somewhat accommodating interpretation of Christian theology by understanding the importance of religious participation in the public sphere and providing public goods and charity, based on a somewhat conciliatory and accepting approach towards other religious traditions.

Keywords: benevolence, public good, David Hollenbach, new Christian theology

خیر عمومی و احسان در الهیات مسیحی؛ با تأکید بر نظر دیوید هولنباخ^۱

سکینه الشهیر به مهین جعفری^۲ حسین مرادی زنجانی^۳ مژگان سرشار^۴

چکیده

احسان، نیکوکاری، و مشارکت در خیر عمومی از نمونه‌های آشکار اخلاق در حوزه‌ی اجتماع به شمار می‌آیند. با این حال، گروه‌های مدافع سکولاریزاسیون، به دلیل شواهد تاریخی و نیز شواهدی که به ماهیت الهیات بر می‌گردد، نگاه خوش‌بینانه‌ای به مداخله و مشارکت گروه‌های دینی در حوزه‌ی عمومی ندارند. بر این اساس، الهیدان‌های مسیحی تلاش می‌کنند تا این اتهام را از خود برداشته و تصویری از خود ارائه دهند که سکولارها را قانع کند مسیحیان نیز می‌توانند درکی فراگیر از نیکوکاری و خیر عمومی داشته باشند. مسئله‌ی این مقاله بررسی این تلاش الهیاتی است. محقق در این مقاله، کوشیده است تا با تمرکز بر اندیشه‌های الهیاتی دیوید هولنباخ در کتاب "خیر عمومی و اخلاق مسیحی" به بررسی تلاش عالمان مسیحی در نمایش سازگاری میان مشارکت در تأمین خیر عمومی و اخلاق مسیحی بپردازد. روش این مقاله توصیفی و تحلیلی است و داده‌ها به روش مطالعه اسنادی به دست آمده و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوای کیفی بررسی شده‌اند. از نتایج تحقیق این که در الهیات جدید مسیحی تلاش می‌شود تا بر حل مشکلات انسان‌ها و جوامع بشری تمرکز شود. این مقاله نشان می‌دهد که الهیدان‌های مسیحی کوشیده‌اند تا با درک اهمیت مشارکت دین‌داران در حوزه‌ی عمومی و تأمین خیر عمومی و احسان، از الهیات مسیحی خوانشی مداراجویانه و مبتنی بر "دیگرپذیری" دینی ارائه دهند؛ و البته

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۷

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران
jafary.mahin@gmail.com

hmoradiz@yahoo.com

۳. استادیار، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

۴. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران
sarshar2008@gmail.com

آن گونه که هالنباخ می گوید این تفسیر از الهیات مسیحی ممکن است مخالفت گروه های محافظه کار مسیحی و خوانش های ارتدکسی از آن را به همراه داشته باشد.

کلید واژه: احسان، خیر عمومی، دیوید هولنباخ، الاهیات جدید مسیحی، اخلاق اجتماعی

مقدمه

جامعه جهانی امروز با رنج هایی نظیر شکاف طبقاتی، بحران های هویتی، فقر، خشونت و افراطی گری و جنگ های داخلی و اختلافات فرقه ای دست به گریبان است؛ جهان امروز تشنه ی عدالت و در جستجوی راه حلی است که کرامت آدمیان را پاس داشته و زندگی شان را با دین باوری و معنویت معنا بخشد، این امر نیازمند تلاش در بکارگیری ارزش های مشترک انسانی چون: نیکو کاری، صلح، احسان، مدارا، احترام به فرهنگ و حقوق ملت ها و پرهیز از خشونت است تا جهان را به مکانی ایمن برای همه تبدیل کند. خیر عمومی به مثابه نمونه ی آشکار احسان در حوزه ی اجتماع سویه های مختلفی از اهمیت را دارد. از طرفی نیکی و احسان، غلبه بر شر و بدی بر نفس همه انسانها نقش بسته و ادیان الهی همواره انسان را به انجام اعمال خیر و نیک دعوت می کنند، تا پاسخی از احسان خداوند، به بندگان باشد و این خیر و احسان تنها به انفاق مالی محدود نگشته، بلکه، بعد عاطفی، روانی، فرهنگی و اجتماعی آن از گستره وسیع تری برخوردار است. مسأله ی نویسندگان این مقاله "امکان مشارکت مسیحیان، در تأمین خیر عمومی و احسان از دیدگاه دیوید هولنباخ است." شماری از دین پژوهان سکولار مستند به برخی تجربه های تلخ تاریخی در گروه های مذهبی و نیز خوانش های غیرروادارانه از دین، ممکن است گروه های مذهبی را متهم کنند امکان مشارکت در خیر عمومی را ندارند. این در حالی است که به گمان برخی الهیدان های مسیحی تعلیمات عیسی و پیام های او که اناجیل رسمی آن ها را گزارش کرده اند، تاثیری نیرومند بر ذهن بشر دارد و می توانند مسیحیان را به مشارکت در خیر عمومی تشویق کنند. برای نمونه می توان به تلاش های کارپنتر^۱ اشاره کرد. از نظر او عیسی در حالی که با محبت و رفت موعظه می کرد، در کفه دیگر ترازو خواسته های کلان اخلاقی می نهاد و قواعد اخلاقی را هم منکر نبود، بلکه آن ها را کافی نمی دانست. او در طرز تعلیم اش حد وسط را گرفته و تاکید او بر جهان شمولی، کلیت، و نامحدودیت خواسته های اخلاقی از بشر بود، نیرویی که از تمام سدهای مذهبی می گذرد تا عقاید دینی او به دل خیلی ها بنشیند، بطوری که حس

کنند با مسائل اخلاقی باید این چنین روبرو شد. عیسی نه تنها معلم اخلاق بود، بلکه جاذبه‌هایی فرهمندانه و خردورزانه داشت، توانمندی او در زمینه اخلاقی مثال نداشت. از ابتدای مسیحیت و در قرون وسطی کثیری از متفکران و هنرمندان اخلاقی اروپا به نحوی از عقاید مسیحی مایه گرفته‌اند. (H. Carpenter, 2010, (p: 158-161

دیوید هولنباخ^۱ فیلسوف و الهیدان مسیحی امریکایی و استاد الهیات اخلاقی در دانشگاه کمبریج در کتاب خیر عمومی و اخلاق مسیحی^۲ تلاش دارد تا نشان دهد که الهیات مسیحی چگونه می‌تواند به تحقق خیر عمومی کمک کند. هولنباخ در این کتاب از تحلیل اجتماعی، فلسفه‌ی اخلاق و الاهیات اخلاقی استفاده می‌کند تا مسیرهای جدیدی را در زندگی شهری و جامعه جهانی ترسیم کند که بر اساس آن‌ها مسیحیان بتوانند در تأمین احسان در حوزه‌ی عمومی مشارکت کنند. او استدلال می‌کند که تقسیم‌بندی بین طبقه‌ی متوسط و فقیر در شهرهای بزرگ و چالش‌های جهانی شدن نیازمند تعهدی جدید به خیر عمومی است و هم معتقدان و هم افراد سکولار باید به سمت اشکال جدیدی از همبستگی حرکت کنند تا بتوانند زندگی خوبی با هم داشته باشند و هم ایمان‌داران مسیحی باید در مواجهه با گروه‌های غیرمذهبی نوعی از رواداری را پیشه کنند. او پیشنهاد می‌کند که با کمک نوعی از بازاندیشی، اخلاق مسیحی می‌تواند به مثابه یک عامل محرک در فراخوان مسیحیان در مشارکت در احسان و خیر عمومی باشد. چیزی شبیه پیشنهادی که ایان ماتئوس^۳ مددکار اجتماعی دارد. او هم معتقد است که قواعد مددکاری با قطب نمای اخلاقی فهمیده می‌شوند، این موقعیت‌ها ممکن است توسط عقاید مذهبی بیان شوند. بعنوان مثال تاکید به ارزش‌هایی به عنوان انتخاب، توانمندی، اقتدار، احترام، تمرین ضد تعدی و غیره مورد تاکید می‌باشد، بطوری که می‌تواند به عنوان پایه‌ی روحی فعالیت اجتماعی تلقی شود (I. Mathews, 2016, p. 29).

مسئله‌ی نویسندگان این مقاله آن است که با تمرکز بر نگاه الاهیاتی دیوید هولنباخ بررسی کنند که الاهیات مسیحی بر اساس چه انعطاف و خوانشی می‌تواند به مثابه یک عامل اثرگذار بر انگیزه‌ی ایمان‌داران در تأمین خیر عمومی نقش بازی کند.

1. David Hollenbach.

2. common good and Christian ethics.

3. Ian Mathews.

مفهوم‌شناسی

در ابتدای مقاله و به رسم ادبیات آکادمیک، تلاش می‌کنیم تا چارچوب مفهومی مقاله را به روشنی توضیح دهیم:

احسان^۱

در ادبیات دینی مسلمانان، احسان معمولاً نقطه‌ی مقابل بدی معنا می‌شود: الإِحْسَانُ ضِدُّ الإِسَاءَةِ؛ یعنی "احسان ضد بدی کردن است. (این منظور، ۱۴۱۴) گاهی نیز احسان را از ماده‌ی حُسْن گرفته و به معنی زیبایی و نیکویی معنا می‌کنند. در این صورت احسان را می‌توان به نیکوکاری معنا کرد. (قریشی، ۱۳۷۷، ج. ۲، ص. ۱۳۴) راغب اصفهانی در کتاب *مفردات* خود، احسان را از واژه حُسْن دانسته و معتقد است که حُسْن و مشتقات آن، در توصف آن دسته از امور دینی و یا دنیایی به کار می‌روند که به سبب داشتن سویه‌هایی از زیبایی عقلی، عاطفی، حسّی و مانند آن می‌تواند با برانگیختن احساس خوشی، رضایت، زیبایی و تحسین در انسان، او را به سمت خود بکشاند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). در این معنا احسان بیش‌تر به معنای نیکوکاری است. این معنای احسان می‌تواند با واژه Kindness گفته شود زیرا در آن جا نیز نوعی رفتار است که با اعمال سخاوتمندی، توجه، کمک کردن یا توجه به دیگران، بدون انتظار گرفتن تمجید یا پاداش معینی در مقابل، انجام می‌شود. (Kalchuri, 1986, p. 3918) ارسطو در کتاب دوم بلاغت این تعریف را برای کلمه‌ی مهربانی به کار می‌برد. او در تعریف مهربانی می‌گوید: «کمک به کسی که نیازمند است، نه در ازای هیچ چیز، و نه به نفع خود یاور، بلکه به نفع کسی که کمک می‌کند». (Aristotle, 2005T p. 11) از نگاه توماس آکوئیناس، احسان یکی از فضیلت‌های کلیدی و موضوعات اصلی کتاب مقدس است که در آموزه‌های کتاب مقدس، خداوند مترادف با نیکوکاری است: «خداوند آن‌قدر مهربان است که نمی‌توان مهربانی بی‌حد او را تصور کرد!» (Aquinas, 1920, p. 78)

در حالی که در رویکردهای سنتی، احسان بیش‌تر به مثابه یک ویژگی شخصی به کار گرفته می‌شود و ناظر به روابط میان انسان‌ها تعریف می‌شود؛ در مطالعات جامعه‌شناختی و مددکاری جامعه‌ای^۲ احسان سویه‌های عمومی‌تری یافته است. و معمولاً به مسائل کلان‌تری از جامعه اشاره

1. Kindness.
2. social work.

خیر عمومی^۱

اصطلاح "خیر عمومی" را کم‌تر تعریف کرده‌اند. به همین دلیل بهتر است این مفهوم را از طریق کاربردهای آن شناخت. خیر عمومی به شیوه‌های مختلفی به کار رفته است و از تعریف واحدی برخوردار نیست. بیشتر تعاریفی که از خیر عمومی ارائه شده است، در یکی از دو خانواده قرار می‌گیرند: "ماهوی" و "رویه‌ای". بر اساس تصورات ماهوی، خیر عمومی آن چیزی است که برای همه یا اکثر اعضای یک جامعه مشترک و فراگیر است و برای همه‌ی آنها سودمند است. البته مفاهیم ماهوی خاص دقیقاً مشخص می‌کند که چه عوامل یا ارزش‌هایی سودمند و مشترک هستند. بر اساس برساخت‌های رویه‌ای، خیر عمومی چیزی است که از طریق مشارکت جمعی و شکل‌گیری اراده عمومی حاصل می‌شود. یعنی زمانی که انسانها به حیثیت و حقوق دیگران احترام بگذارند. (Hollenbach, 2002, p. 7)

۵۶

پژوهشنامه‌ی ایران

مفهوم خیر عمومی از طریق مطالعات نظریه‌پردازان سیاسی، فیلسوفان اخلاق و اقتصاددانان عمومی از جمله توماس آکوئیناس^۲، نیکولو ماکیاوولی^۳، جان لاک^۴، ژان ژاک روسو^۵، جیمز مدیسون^۶، آدام اسمیت^۷، کارل مارکس^۸، جان استوارت میل^۹، جان مینارد^{۱۰} کینز، جان رالز^{۱۱} و بسیاری از متفکران دیگر توسعه یافت. در تئوری اقتصادی معاصر، خیر عمومی عبارت است از کالایی (موقعیتی) است که مردم اگر چه در باره‌ی استفاده از آن رقیب هم هستند، ولی در عین حال غیرقابل انحصار باشد. شاید نزدیک‌ترین مفهوم به خیر عمومی، کالای عمومی^{۱۲} باشد، با این تفاوت که در فهمی که از این اصطلاح وجود دارد و مصادیقی که برای آن بر شمرده می‌شود، کالای عمومی بر خلاف خیر عمومی از روابط افراد مستقل است. به این معنا که کالای عمومی غیر رقابتی

1. common good.
2. Thomas Aquinas
3. Niccolò di Bernardo dei Machiavelli
4. John Locke
5. Jean-Jacques Rousseau
6. James Madison
7. Adam Smith
8. Karl Marx
9. John Stuart Mill
10. John Maynard Keynes
11. John Bordley Rawls
12. public good.

و تخصیص ناپذیر است؛ این در حالی است که خیر عمومی ناظر به روابط افراد با یکدیگر است. برای نمونه، روابط محترمانه در یک جامعه، صلح، امنیت، نیکوکاری و احسان، امنیت، و اعتماد عمومی خیرهایی هستند که به روابط میان انسان‌ها ربطی وثیق دارند. (Hollenbach, 2002, p. 7)

بر اساس تعریفی که هولنباخ از خیر عمومی ارائه می‌دهد و مصادیقی که برای آن بر می‌شمرد، احسان و نیکوکاری یکی از نمونه‌های آشکار خیر عمومی است؛ البته مشروط به آن که معطوف به صورت‌های کلان و ساختاری جامعه به کار گرفته شود. احتمالاً به همین دلیل است که او برای این که نشان دهد این مفهوم در اندیشه مسیحی ریشه‌های تاریخی و عمیقی دارد به سراغ ایگناتیوس لویولا، بنیان‌گذار فرقه یسوعیان می‌رود. هولنباخ مستند به فرازهایی از سخنان ایگناتیوس می‌گوید روح حاکم بر این سلسله‌ی ایمانی مسیحی خیراتی است که فراگیرند. او این خیرات را تجلی شکوه خداوند دانسته و معتقد است در نگاه یسوعیان خیر جهان‌شمول‌تر الهی‌تر است. بر اساس همین تعالیم است که پیروان ایگناتیوس برای فعالیت‌های خود به سراغ مکان‌ها و افرادی می‌روند که نه فقط خودشان بهره‌مند شوند، بلکه موجب شوند، خیر به بسیاری دیگر دیگر نیز گسترش یابد. (Ignatius, 1996, p. 67)

خیر عمومی، احسان و جهان امروز

اگر از زاویه دید جان رالز به وضعیّت خیر عمومی در جهان جدید بنگریم، باید بزرگترین مشکل را مسئله‌ای معرفت‌شناسی بدانیم. به نظر او در جهان امروز غرب، هیچ خیری نیست که همه در باره‌ی آن توافق نظر داشته باشند. به بیان دیگر بزرگترین مشکل خیر عمومی در جهان غرب این است که تنوع و تکرر دیدگاه‌ها در باره خیر به اندازه‌ی زیاد است که به دشواری می‌توان بر یک نظر توافق کرد. (Rawls, 1993, p. 210) در حقیقت تنوع و تکرر در جهان جدید مفهوم خیر عمومی و احسان را به چالش کشیده است. جهان امروز بیش از آن که به فکر وحدت جامعه باشد به فکر خودآئینی و انتخاب‌های خصوصی افراد است. تأکید انسان معاصر بر بهروزی فردی و تساهل شخصی، و تلاش برای به چنگ آوردن سود و منافع شخصی چنان رقابت تنگاتنگی بین افراد ایجاد کرده است که احسان و نیکوکاری را به حاشیه رانده است. (Dworkin, 1985, p. 191)

با این حال، وضعیت خیر عمومی در جهان امروز تنها به این چالش معرفت‌شناسانه بر نمی‌گردد. تنوع فرهنگی و مذهبی نیز چالش عمیقی بر سر راه تحقق خیر عمومی است. تجربه‌های تاریخی تلخی که جهان و بویژه اروپا در قرن‌های شانزدهم و هفدهم میلادی تجربه کرده، سبب شده است که هرگونه تلاش برای ایجاد توافق بر چیزی به نام نیکوکاری و یا خیر عمومی و یا اساساً زندگی خوب با ترس و احتیاط همراه باشد. زیرا همین کار ممکن است در نهایت به ایجاد ستیزه و درگیری بیانجامد. جامعه‌ی امروزی که تنوع و تکثر فرهنگی و مذهبی را به مثابه یک ارزش و نشانه‌ی غنای فرهنگی خود می‌داند، تلاش برای ایجاد هم‌داستانی در تعریف خیر عمومی را خطرناک می‌داند؛ چون ممکن است به این تنوع آسیب برساند. به بیان ساده، ارزش‌های مسلط جوامع جدید با توافق بر معنای واحدی از خیر عمومی و تحقق آن سازگاری ندارند.

چالش ناسازگاری میان ارزش‌های فرهنگی جهان جدید با ارزش‌های اخلاقی که بیشتر در سنت دینی ریشه دارند، در نهایت به سود فرهنگ خاتمه پیدا می‌کند. برای نمونه، سنت مسیحی در تأکید بر احسان می‌گوید که نیکوکاری به دوستان و هم‌کیشان کافی نیست و هر مسیحی، همان‌گونه که عیسی مسیح به گناه‌کاران هم احسان کرد، باید به همه‌ی انسان‌ها احسان کند: «به شما می‌گویم، دشمنان خود را دوست بدارید... زیرا اگر کسانی را که شما را دوست دارند دوست بدارید، چه پاداشی دارید؟ آیا حتی باجگیران هم همین کار را نمی‌کنند؟» (متی ۵: ۴۴-۴۶) این در حالی است که ارزش‌های جهان جدید با این تعلیم ناسازگارند و امکان تحقق آن را نمی‌دهند. برای روشن‌تر شدن بحث می‌توان به نمونه‌ای از سنت دینی اسلام اشاره کرد. برای مثال در این سنت دینی بر سرکشی و کمک به همسایه (بویژه) تأکید شده است. از جمله این روایت: "هر کس با شکم سیر بخوابد و در نزدیکی‌اش مومنی گرسنه و بی‌طعام باشد، خدای عزوجل به فرشتگان گوید: من شما را بر این بنده شاهد می‌گیرم که او را امر کردم و نافرمانی کرد و از غیر من اطاعت کرد. این شخص را به عملش واگذاردم و به عزت و جلالم سوگند هرگز او را نمی‌بخشم." (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج. ۱، ص. ۲۵۰) حالا اگر کسی بخواهد بر اساس این تعلیم مذهبی رفتار کند با مشکل ناسازگاری با یکی از ارزش‌های فرهنگی در جهان امروز روبرو می‌شود با عنوان "تعافل مدنی". جهان جدید به بهانه حفظ حریم خصوصی، شهروندان خود را به کنجکاوی نکردن در احوال دیگران دعوت می‌کند. در حالی که این تعلیم مذهبی دین‌داران را به کنکاش برای فهم مشکلات دیگران به منظور کمک به آنها دعوت می‌کند.

مسئله‌ی چالش میان جهان جدید با نظام ارزشی‌اش از یک سو و فضیلت احسان و خیر عمومی از سوی دیگر در نظر برخی چنان عمیق است که گویی امکان فضیلت‌مندی را از انسان‌ها گرفته است. برای نمونه مک‌این‌تایر، از فیلسوفان برجسته‌ی روزگار معاصر معتقد است تنها صورتکی از اخلاق برای ما شهروندان جهان جدید باقی مانده است و اصل آن را، یعنی فضایی که برای تحقق احسان و خیر عمومی لازم هستند را از دست داده‌ایم. (MacIntyer, 1981, p. 28)

هولنباخ معتقد است که چالش‌هایی از این دست سبب می‌شوند که ما (به مثابه الاهدان‌ها) نتوانیم به داشته‌ها و چارچوب‌های متداولی که امروزه با کمک آن‌ها می‌خواهد مشکلات جامعه را حل کنند، اعتماد کنیم. او می‌گوید در بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا مشکلات ویرانگری چون فقر، بیکاری، بی‌خانمانی، خشونت، فقدان روابط گرم و اعتماد بین شهروندان جامعه وجود دارد. به نظر می‌رسد دست کم یکی از عواملی که به این وضع دامن می‌زند، تقدم یافتن رواداری، خودآئینی، و تأکیدهای ناموجه بر چیزی است که حریم خصوصی افراد خوانده می‌شود. (Hollenbach, 2002, p. 21) به همین دلیل او پیشنهاد می‌کند برای برون رفت از این وضعیت باید چاره‌ای اندیشید و در برخی از باورهای خود تجدید نظر کرده و به دنبال فلسفه‌ای دیگر باشیم. این پیشنهاد در حقیقت مدعای اصلی الاهیات اوست. او معتقد است که الاهیات و دین می‌تواند به از بین بردن این چالش کمک کرده و فهم مشترکی از زندگی خوب را پدید آورد و در ادامه تعهد مشترکی میان دینداران برای تحقق آن ایجاد کند.

خیر عمومی، احسان، و الاهیات مسیحی

در اناجیل حدود ۱۸۷ آیه در پیوند با خیر و احسان وجود دارد که از جمله می‌توان از احسان به والدین، به سالمندان، بیوه زنان، یتیمان، مستمندان، کارگران و بردگان، معلولین و ناتوانان جسمی، هموع، همسایه، بیگانگان، غریبان، یتیمان، مستمندان، کارگران و بردگان نام برد. این حجم از آیات از اهمیت نیکوکاری و احسان در الاهیات مسیحی حکایت دارد. (متی ۱۳: ۴۴-۵۱) کتاب مقدس مسیحی تعلیم می‌دهد: به خویشاوندان احسان و نیکی کنید، به مستمندان نیکی کنید، به همسایه خویشاوند خود نیکی کنید، به همنشین خود نیکی کنید، یار یکدیگر باشید، معاشرت بد نداشته باشید، خود را از بت پرستان جدا سازید، با بی‌ایمانان پیوند و همبستگی ایجاد نکنید. بیماران را عیادت کنید، به دیدن زندانیان بروید. همیشه مهمان نواز باشید. در غم و رنج مظلومان شریک باشید.

بیوه زنان را در مصیبت مهربانی و کمک کنید، نسبت به دیگران دلسوز باشید. (متی ۲۶: ۱۱؛ مرقس ۱۴: ۷؛ مرقس ۱۰: ۱۷-۲۲؛ رساله اول به تیموتائوس ۱۰: ۶؛ رومیان ۳: ۱۰-۱۲)

با این حال، مفهوم نیکوکاری مفهومی سهل و ممتنع است. از یک سوی اصالت را در هدف و باطن می‌داند نه در ظاهر اعمال، و از سوی دیگر امروزه در قرن بیستم به معنی دست و دل باز بودن و بخشیدن پول و متعلقات مادی به دیگران است. (Eliade, 1908, v. 4, p. 177) با این حال، امروزه مسیحیان نیکوکاری را در اجرای طرحهای دراز مدت مانند: حفرچاه، ساختن بیمارستان، تربیت پزشک، مروج کشاورزی و آموزگاری می‌دانند این‌ها همه تلاشهایی است برای کمک به کشورهای محروم جهان سوم که آنها بتوانند با مسائل خود روبرو شده و راه حل دائمی پیدا کنند (H.Menky, 1999, p. 394).

در الهیات مسیحی، احسان و نیکوکاری یک عمل صرف که مستوجب پاداش‌های آخرت‌شناسانه باشد نیست؛ بلکه یک کیفیت وجودی است. کیفیتی که بر اساس میزان تشبه به مسیح سنجیده می‌شود. مارتین لوتر، یکی از رهبران نهضت اصلاح دینی در توصیف این کیفیت می‌گوید «خدا اراده کرده هر یک از مخلوقات مختلف با تمام وجود پرتوی از خیر خواهی و حکمت خدا را منعکس کنند، بنا بر این انسان باید خیر بودن خاص هر مخلوقی را محترم بشمارد و اینکه مخلوقات به یکدیگر وابسته باشند، زیرا هیچ مخلوقی خود کفا نیست و با خدمت به یکدیگر می‌تواند دیگری را تکمیل کنند.» (M.Luther, 2021, p.131) از همین سبب است که کتاب مقدس از ایمان‌داران می‌خواهد نیکوکار باشند، چون خدا نیکوکار است: «ما محبت می‌کنیم زیرا او نخست ما را محبت کرد. اگر کسی ادعا کند که خدا را محبت می‌نماید، اما از برادر خود نفرت داشته باشد، دروغ‌گوست. زیرا کسی که برادر خود را که می‌بیند، محبت نکند، نمی‌تواند خدایی را که ندیده، محبت نماید.» (اول یوحنا ۴: ۲۰-۲۱)

کلیسای مسیحی تعلیم می‌دهد که شخصیت خداوند در کتاب مقدس به احسان، نیکی، رحمت، عدالت و قضاوت و راستی در آسمان‌ها و زمین می‌درخشد. خدا بعنوان خدای کثیر الاحسان و وفاست و در تمام کارهایش مهربانی، خیر خواهی، لطف، رحمت و محبتش را بروز می‌دهد. هستی خدا محبت است خدا با فرستادن فرزند یگانه و روح محبتش در وقت مقرر سر نهانش را آشکار ساخته پدر و پسر و روح القدس را برای ما مقدر کرده است. (تعالیم کلیسای کاتولیک: ۱۰۱-۱۰۳) وقتی روح القدس در زندگی شخص کار کند شخصیت فرد از خود خواهی، ظلم، سرکشی، کینه

و..... به عشق، شادی، آرامش، صبر، مهربانی، نیکی، وفاداری، نرمی و خویشتر داری بر می‌گردد و اینها همه در شخصیت خداوند است. پس نیک‌اندیشی عمل خوبی است که مستقیماً به اخلاق مربوط می‌شود. نیکی فضیلت و قداستی در عمل است، که منجر به زندگی بانگیزه صداقت و مایل به برکت و خیر است، که این ویژگی اخلاقی یکفرد با روح سالم است. کلمه یونانی آگا توسون به معنی خیری به نفع دیگران است نه صرفاً به خاطر فضیلت داشتن. بلکه کسی که از گناه دوری کرده و به فقیر کمک می‌کند، از کودکان بی‌سرپرست نگهداری کرده، به عیادت بیمار می‌رود و حتی برای دشمن خود دعا می‌کند و همه‌ی اینها از طرف پدر نور است، همان‌طور که دیگران خوبی‌ها را می‌بینند در بهشت هم پدرمان آن‌ها را ستایش خواهد کرد.

۶۱

پژوهشنامه ادیان

احسان به مثابه مسئله‌ای اجتماعی

احسان را اگر به مثابه یک فضیلت شخصی تصور کنیم، چیزی که در تعریف سنتی و قدیمی از آن فهم می‌شود، مسئله تا اندازه‌ی زیادی ساده است؛ ولی مسئله دقیقاً از جایی شروع می‌شود که در جهان جدید که سرشار است از تنوع فرهنگی و مذهبی تن دادن به تعالیم کتاب مقدس در زمینه‌ی نیکوکاری به سادگی جهان سنت نیست. از این رو است که هولنباخ بیشتر به سویه‌های اجتماعی احسان می‌پردازد. حوزه‌ی عمومی در جهان مدرن به اندازه‌ی جهان سنت ساده و یک‌دست نیست. به همین دلیل الاهیات مسیحی در این روزگار به سادگی روزگار سنت نمی‌تواند از نیکوکاری و مشارکت در خیر عمومی سخن بگوید. مسئله‌ی مهم این است که آیا الاهیات مسیحی می‌تواند به خیر عمومی و نیکوکاری در جهان جدید کمک کند.

برای سخن و تأکید بر ایده‌ی خیر عمومی و احسان در جهان جدید، باید ابتدا بر حضور دین در عرصه‌ی عمومی تأکید داشت. چیزی که به دلیل تجربه‌های ناخوشایند جهان غرب از قرن‌ها تسلط کلیسا بر این عرصه، تا اندازه‌ای دشوار است. ترس از تکرار پیامدهای منفی گذشته سبب شده است تا خیلی‌ها از گشودن پای دین، الاهیات و دین‌داران به عرصه‌ی عمومی استقبال نکنند. مخالفان حضور دین در عرصه‌ی عمومی معمولاً استدلال می‌کنند که چشم‌انداز دینی به خیر عمومی و احسان لزوماً به تمامیت‌خواهی گروه‌های مذهبی خواهد انجامید. چیزی که در نهایت، به مانعی بزرگ بر سر راه احسان و خیر عمومی تبدیل خواهد شد.

هولنباخ معتقد است که الاهیات مسیحی برای آن که مشارکتی مؤثر در تحقق خیر عمومی داشته باشد، لازم است دو اتفاق مهم را رقم بزند:

نخست این که خوانشی از خود ارائه دهد که ایمان‌داران مسیحی را به حضور خیرخواهانه و نیکوکاری در عرصه‌ی عمومی، حتی در جهانی که غیر مسیحیان نیز حضور دارند فرا بکشاند. بر این اساس، هر گونه خوانشی از الاهیات مسیحی که دوگانه‌ی مسیحی و غیرمسیحی را پررنگ کند و نیکوکاری را در انحصار گروه مسیحیان منجمد سازد مانعی بزرگ به شمار خواهد آمد. (Hollenbach, 2002, p. 22) او در حقیقت، الاهیات مسیحی را به گفتگوی فعالانه با جهان جدید دعوت می‌کند. گفتگویی که انتظار می‌رود به نوعی از همبستگی فکری^۱ بین الاهیات و حوزه‌ی عمومی یا جهان متنوع فرهنگی بیانجامد. هولنباخ در این ایده آشکارا از "روش پرهیز^۲ جان رالز بهره می‌گیرد. روشی که در آن توصیه می‌شود "بکوشیم تا حد امکان، هیچ دیدگاه دینی، فلسفی، و یا اخلاقی را تأیید و یا رد نکنیم. (Rawls, 1987, p. 12-13) این شیوه شاید به صورت موقتی و کوتاه‌مدت بتواند از تنش جلوگیری کرده و صلحی را پدید بیاورد که زمینه‌ی مشارکت فعالانه ایمان‌داران در عرصه‌ی عمومی و اعمال نیکوکارانه باشد. زیرا در این رویکرد نوعی از پرهیزگاری نهفته است که نه ممکن است و نه فعالانه. پرهیزگاری شکننده‌ای که پیشرفت اخلاقی جمعی را سخت می‌کند. (Thompson and Gutmann, 1996, pp. 62-63)

دوم این که الاهیات مسیحی لازم است به جهان سکولار بقبولاند که ایمان‌داران مسیحی می‌توانند بدون آن که تهدیدی برای جامعه‌ی متکثر باشند در عرصه عمومی حضور مؤثر داشته و نیکوکاری و خیر عمومی را دنبال کنند. این پرسش که آیا مسیحیان با توجه به عقاید و آموزه‌های خود در باره انسان، نجات، خیر، زندگی خوب، و نیکوکاری می‌توانند با غیر مسیحیان هم‌کاری و همبستگی فکری داشته باشند؟ پرسشی بنیادی است که پاسخ به آن چندان ساده به نظر نمی‌رسد. تجربه‌ی تاریخی جهان غرب آنها را به یک پاسخ منفی می‌کشاند. ضمن این که تلاش کلیسا برای قانع کردن جهان سکولار می‌تواند نگرانی‌هایی را در بین گروه‌های ایمانی فراهم آورد. هر چه کلیسا تلاش کند تا نشان دهد یک ایمان‌دار مسیحی در درک نیکوکاری می‌تواند شبیه غیر خود عمل کند، گروه‌هایی از ایمان‌داران بیشتر نگران خواهند شد که حرکت به سمت همبستگی فکری میان

1. Intellectual Solidarity.

2. avoidance.

مسیحیان و غیر مسیحیان در نهایت، به غلبه‌ی ذهنیت لیبرال دموکراسی بر مسیحیت خواهد انجامید و مسیحیت را از معنای اصیل خود تهی خواهد کرد.

با این همه، گویی چاره نیست و الاهیات مسیحی باید از پس این دو چالش بریاید و نشان دهد که می‌تواند میان سنت مسیحی و غیر مسیحی پل بزند. پیشنهاد مشخص هولنباخ این است که برای این که امکان مشارکت گروه ایمان‌داران مسیحی در خیر عمومی فراهم آید، بهتر است بر این ایده‌ی اساسی تمرکز کرد که مسیحیان و غیر مسیحیان هر دو امکان دست‌یابی به بعضی از حقایق اساسی را دارند. چیزی که می‌توان از آن به عقلانیت طبیعی نام برد، هم در مسیحیان وجود دارد و هم در غیر آنان. این عقلانیت طبیعی در مقام نظر، این امکان را فراهم می‌آورد که هر دو گروه بتوانند بر مفهوم خیر عمومی توافق کنند. این همان چیزی است که پولس در رساله خود به رومیان بر آن تأکید دارد. (رومیان ۳ و ۴) ۱. توماس آکوئیناس نیز بر این نکته اشاره دارد که چون خدای واحدی مسیحیان و غیر مسیحیان را آفریده است، و انسان‌ها همه مبدأ و منشأ یکسانی دارند، پس می‌توانند در فهم بعضی از حقایق با هم توافق کنند و این می‌تواند مبدأ مشترکی برای یافتن مبنای مشترکی برای نیکوکاری و زندگی خوب باشد. از آن‌جا که عقل میان مسیحیان و غیر مسیحیان مشترک است، پس هم مسیحیان و هم غیر مسیحیان می‌توانند با این عطیه‌ی خدادادی به درک هم‌سانی از خیر، زندگی خوب، و نیکوکاری برسند. (Aquinas, I, II, p. 94)

هنری تیسن^۱، الهیات‌دان شناخته شده مسیحی نیز اخلاق و نیکوکاری را به عقل طبیعی مشروط می‌داند. او در کتاب *الهیات مسیحی* توجه خاصی به وجدان دارد و معتقد است ارتباط تنگاتنگی بین نیکوکاری و وجدان وجود دارد. او می‌گوید: وجدان عبارت است از خودشناسی در رابطه با قانون تشخیص خوب و بد و بدون آن انجام عمل اخلاقی امکان پذیر نیست. وجدان عقل انسان را قادر می‌سازد که تفاوت بین خوب و بد را تشخیص دهد. احساس باعث می‌گردد که یکی از آن دو را انتخاب کند و با اراده تصمیم نهایی را اتخاذ نماید. وجدان ضوابط اخلاقی مربوط به هر موردی (خیر و احسان) را اجرا می‌کند (H.C. Thiessen, 1945, p:156-157).

کتاب *تعالیم کلیسای کاتولیک*، به عنوان متن رسمی تعالیم کلیسا، نیز این نکته را این گونه تعلیم می‌دهد: "در دل آدمی قانونی است که خدا آن را درج کرده، که باید از آن اطاعت کند که او را به

محبت و به انجام نیکی و پرهیز از بدی می‌خواند و این صدای وجدان است که انتخاب‌های نیک را تایید می‌کند، وجدان داوری عقل در باره خیر اخلاقی است که با شهود نفس می‌توان ندای وجدانی که درست و صادق است را شنید و از آن پیروی کرد." (تعالیم کلیسای کاتولیک: ۴۹۲ و ۴۹۳ (۱۳۹۴)

این درک از منشأ اخلاق به معنای آن است که نیکوکاری نتیجه‌ی خصلت‌های خدایی و نیکویی درون انسان است. چیزی که هم در رساله‌های پولس به آن اشاره شده است و هم مارتین لوتر آن اشاره دارد. او در این زمینه بیان می‌کند که اعمال نیک، انسان نیک را پدید نمی‌آورد؛ بلکه این انسان نیک است که اعمال نیک را پدید می‌آورد. در نتیجه پیش از آنکه هر عمل نیکی بتواند وجود داشته باشد ذات یا خود انسان باید نیک باشد زیرا اعمال نیک از انسان نیک بر می‌آید. هر کدام از ما در زندگی خود نمی‌تواند برای ممنوع خود بی‌فایده باشد و کاری نکند زیرا ناگزیر با دیگر انسان‌ها سخن می‌گوید، ارتباط برقرار می‌کند و هم‌اندیشی می‌کند مانند مسیح که همانند انسان‌ها گشت و به هیئت انسانی در آمد و با انسان‌ها گفتگو کرد. از این رو شخص مسیحی باید در تمام کارهایش به دیگران خدمت کرده و منفعت برساند و به هیچ چیز جز نیاز و فایده ممنوعش فکر نکند برای همین. پولس حکم می‌کند با دستان خود کار کنیم تا به حاجت‌مندان یاری برسانیم. پولس این قاعده را برای حیات مسیحی تعیین می‌کند که مسیحیان باید تمام اعمال خود را وقف خیر و سعادت دیگران بکنند همان‌گونه که مسیح خود را تقدیم کرد. زیرا هر مؤمنی می‌تواند با احسان ارادی به ممنوع خویش خدمت کند و برای او کارهای خیری انجام دهد که می‌داند، برای ممنوع ضروری، سودمند و مفید است. (M. Luther, 2021, p:40-48)

اخلاق برای همه

هولنباخ بر یک تعمیم دیگر که بیش‌تر، سوبه‌های علمی و رفتاری دارد نیز تأکید می‌کند. او معتقد است که اخلاق مسیحی تنها اخلاقی برای مسیحیان نیست. این رویکرد الاهیاتی که در حقیقت پاسخی است به چالش‌نخستی که کمی پیش به آن اشاره شد، تلاش دارد تا اخلاق را به حقیقت انسان معطوف و مشروط کند و نه باورداشته‌های مذهبی او. به این معنا که هر انسانی از آن جهت که انسان است باید با او اخلاقی رفتار شود نه از آن جهت که مسیحی است. این همان چیزی است

که جهان جدید از گروه‌های مذهبی طلب می‌کند: نیکوکاری به همه، بدون توجه به نژاد و مذهب و چیزهای دیگری که خارج از حقیقت انسان هستند. جهان جدید، خیر و مواجهه با احسان را از حقوق اساسی و غیرقابل انکار همه انسانها را می‌شمارد و برای توسعه آن تلاش می‌کند. احسان بر پایه احترام به ارزش ذاتی، کرامت همه انسانها و حقوق مدنی/اجتماعی و فردی ناشی از آن استوار شده است. و نه باورداشت‌های مذهبی آنان. از همین روست که مددکاران اجتماعی برای نمونه، غالباً با افرادی کار می‌کنند که می‌توانند بین حقوق انسانی متعارض {و چند گانه}، تعادلی قابل قبول ایجاد کنند. (Gilligan, 2006, p. 617- 637)

انعطافی که هولنباخ در الاهیات مسیحی ایجاد می‌کند، اگر بتواند همراهی و همدلی همه‌ی گروه‌های مسیحی را به همراه داشته باشد، می‌تواند بسیار کارگشا باشد. این انعطاف از چیزی که رالز با عنوان "پرهیز" از آن یاد می‌کرد پویاتر است و می‌تواند کمک بیشتری به کنش‌های اخلاقی اجتماعی بکند. البته یافته‌های علمی نیز به اندازه‌ی کافی می‌توانند موافق هولنباخ باشند. برای نمونه، رای‌ی گیلیگان^۱، استاد بازنشسته مددکاری اجتماعی و سیاست اجتماعی از کالج ترینیتی دویلین، در بیمارستان‌های شهر لندن انجام داده است نشان می‌دهند که عقاید مذهبی کسانی که وارد فعالیت‌های مددکاری اجتماعی می‌شوند نقش معناداری در فرآیند عملیات و نتایج کار آنها دارد. این مطالعات بویژه نشان می‌دهد که مددکاران مسلمان برای باورداشت‌های دینی و معنوی خود نقشی اساسی در آموزش و فعالیت حرفه‌ای‌شان دارد. اگر چه آنها خدمات خود را به غیرهم‌کشیان نیز ارائه می‌دهند؛ ولی باورداشت‌های دینی‌شان آنها را کمک می‌کند تا جدی‌تر به مددکاری بپردازند. (Gilligan, 2006, p. 617- 637)

بر اساس همین خوانش منعطف از الاهیات مسیحی است که هولنباخ ادعا می‌کند روحانیون مسئول کلیساها می‌توانند در رفع موانع و پوشش دادن مشکلاتی که افراد طبقه‌ی فقیر ساکن در مناطق شهری با آن مواجه هستند، نقش مستقیم و موثری ایفا کنند. انجمن‌های مذهبی می‌توانند با ایجاد نیروی معنوی برای قشر فقیر جامعه به آنها در غلبه بر ناامیدی در تلاش برای یافتن شغل مناسب یا ترک اعتیاد کمک کنند. و این منبع معنوی همچنین در حفظ ثبات خانواده کمک می‌کند. همچنین انجمن‌های مذهبی قادرند به افرادی که با وسوسه و اغوا در دام اعتیاد، باندهای مسلح و ارتکاب جنایت افتاده‌اند کمک کنند تا راهی بیابند که هم به خود و هم جامعه در تجربه‌ی زندگی بهتر

1. Robbie Gilligan.

کمک کنند. به این ترتیب، پیاده‌سازی رویکردهای دینی «مبتنی بر ایمان» و دعوت به مشارکت از طریق توانمندسازی افراد فقیر برای کمک به خودشان، کلیساها هم‌چنین می‌توانند با ایفای نقش یک نهاد عامل تحول در اندیشه‌ی و عمل مردم در خیر عمومی مهم و سودمند باشند. ارتباط نزدیک با قشر فقیر شهر از طریق فعالیت‌ها و خدمات داوطلبانه و گردهمایی‌های مذهبی شهر و حومه، انجام آن در حال حاضر به خوبی در سطح بعضی از کلان‌شهرها، سازماندهی شده است و اگر به طور گسترده دنبال شود، می‌تواند تأثیر بسیار بیشتری داشته باشد. با این حال، از منظر تامین ضرورت‌های برقراری عدالت اجتماعی، نیازمند حمایت دولت می‌باشد. اسقف کاتولیک راجرمانی^۱ گفت: گروه‌های مذهبی اجتماعی می‌توانند قلب‌ها را لمس کنند و زندگی‌ها را تغییر دهند، اما این تلاش‌ها به تنهایی بدون حمایت دولت نمی‌تواند کافی باشد. (Holenbach, 2002, p. 27- 28)

نتیجه

مسئله‌ای که ذهن هولنباخ را به خود مشغول کرده است، ممکن است تا اندازه‌ای قدیمی و یا تکراری به ذهن برسد؛ ولی جهان جدید، مسائل تازه‌ای را پیش روی الهیات‌ها قرار داده است. هولنباخ، الهیدان مسیحی که بیشتر به سویه‌های اجتماعی دین‌داری و اخلاق مسیحی در مواجهه با چالش‌های اجتماعی جدید می‌پردازد، می‌کوشد تا نشان دهد الهیات مسیحی در روزگار جدید، که برخی‌ها اصرار دارند آن را روزگار گوشه‌نشینی دین بدانند، می‌تواند به اندازه‌ای سودمند و کارگشا باشد که در جهان سنت بود. هولنباخ در بررسی خیر عمومی و پیوند با آن با اخلاق، جهانی را به تصویر می‌کشد که در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی که به خیر عمومی نیاز دارد. در تصویری که او ارائه می‌دهد، دین‌داران مسیحی در نقش شهروندان وفادار و میهن‌پرست می‌توانند در جامعه نقشی کلیدی داشته باشند.

هولنباخ به درستی از دو چالش عمده و اساسی یاد می‌کند که الاهیات مسیحی برای مشارکت در خیر عمومی با آن روبرو است. یک چالش بیرونی که عبارت است از قانع کردن گروه‌های غیر دینی و سکولاری که مستند به تجربه‌های تاریخی، گروه‌های دینی را به انحصارطلبی و نیز تحمیل اندیشه خود بر دیگران متهم می‌کنند و چالش درونی که عبارت است از انعطاف‌ناپذیری گروه‌های دینی‌ای معتقدند مشارکت در خیر عمومی به معنای چیزی که جهان جدید به دنبال آن است در

1. Roger Mahoney

نهایت به نوعی از تسلط لیبرالیسم بر الاهیات خواهد انجامید. با این حال، از نگاه هولنباخ، اخلاق و الهیات مسیحی می‌تواند مردم را مراقب خود قرار داده تا از وسوسه‌های خطرناک دنیایی که در حال ظهور است حفظ کند و نیز مشارکت و ارتباطات متقابل مسیحیان با غیرمسیحیان در جوامع شهری و جهانی را بشارت دهد. هولنباخ معتقد است که این ارتباطات نباید در مرزهای ملی متوقف شود زیرا باید ایده‌ها خود را به گونه‌ای به اشتراک گذاشت که باعث ایجاد همبستگی جهت تأمین جنبه‌های خیر عمومی شود.

ایده‌ی هولنباخ مبتنی بر مشروط کردن اخلاق مسیحی به عقلانیت طبیعی و نیز تعمیم اخلاق به مسیحی و غیر مسیحی، در نوع پیشنهاد ستایش برانگیزی است. به هر حال، او با این دو پیشنهاد برای دو مشکل مداخله‌ی دین در خیر عمومی و احسان در معنای اجتماعی‌اش راه‌حلهایی پیشنهاد می‌دهد. تکیه بر عقلانیت طبیعی زمینه را برای توافق بر معنای احسان و نیکوکاری و نیز خیر فراهم می‌آورد و تعمیم اخلاق مسیحیان را از انحصارطلبی در زمینه خیر باز می‌دارد. با این همه، ایده‌ی هولنباخ حرف تازه‌ای برای دین‌داران در روزگار جدید ندارد. جهان جدید چنان پیچیده است که احتمالاً این دو پیشنهاد در مقام عمل نتوانند همه این پیچیدگی‌ها را پاسخ دهند.

منابع

بی نا، تعالیم کلیسای کاتولیک، ۱۳۹۴، مترجمان: احمدرضا مفتاح، حسین سلیمانی، حسن قنبری، قم: دانشگاه ادیان.

ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق.). لسان العرب. بیروت: نشر دار صادر. ماده "حسن".

تیسن، هنری، بی تا، الاهیات مسیحی، ترجمه طاهائوس میکائیلیان، تهران: حیات ابدی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار العلم و الدار الشامیة.

سیار، پیروز، ۱۳۸۷، عهد جدید بر اساس کتاب مقدس اورشلیم، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۷.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر أحسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت. ج. ۲.

کارینتر، هامفری، ۱۳۸۹، مسیح، مترجم، حسن کامشاد، طرحی نو.

لوتر، مارتین، ۱۴۰۰، آزادی مومن مسیحی، مترجم: محمد ضیایی، ص ۱۳۱، نشر کرکدن، ۱۴۰۰.

ما تنوس، آیان، ۱۳۹۵، مدد کاری اجتماعی و معنویت، ترجمه، نوابخش، مهرداد، خاقانی فرد، میترا، ناشر، بهمن برنا، تهران، ۱۳۹۵.

محسنیان راد، مهدی، ۱۳۹۳، هنجارها در سه کتاب مقدس، ناشر، دانشگاه ادیان و مذاهب، چاپ دوم.

محمد بن علی بن الحسین للشیخ الصدوق، ۱۴۰۶ ه. ق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، دار الرضی. ورنر منسکی، پگی مورگان، النورنسیت، کلایولاتون، ترورشانون، معشوق ابن علی، ۱۳۷۸، اخلاق

در شش دین جهان، مترجم: وقار محمد حسین، ناشر: اطلاعات، ایران، تهران، چاپ سوم.

Aquinas, Thomas. 1920, *The Summa Theologiae of St. Thomas Aquinas* (revised ed.), translated by Fathers of the English Dominican Province. – via New Advent.— Summa Theologica, (Complete American edition) at Project Gutenberg.

Aristotle, (2005), *Rhetoric*, Translated by Roberts, W. Rhys. Book 2, chapter 7. Archived from the original on December 13, 2005.

Brownlie, Julie & Simon Anderson, *Thinking Sociologically About Kindness: Puncturing the Blase in the Ordinary City*, First published online October 26, 2016.

Buss, David M., et al. (1992). "Sex differences in jealousy: Evolution, physiology, and psychology". *Psychological Science*. 3 (4): 251–255.

Dworkin, Ronald, 1985, *A Matter of Principle*, Harvard University.

Eliade, Mircha, (1908) *The Encyclopaedia of Religion*, Amazon.

- Gilligan, Robbie, 2006, *Educational issues for children and young people in families living in emergency accommodation—An Irish perspective*, Blackwell Publishing Ltd
- Gutmann, Amy, and Thompson, 1996, Dennis, Democracy and Disagreement, Harvard University.
- Hollenbach, S. J., David, 2002, *Common Good and Christian Ethics*, Cambridge university.
- Ignatius, Jesuits, 1996, *Constitutions of the Society of Jesus and Their Complementary Norms*, Amazon.
- Kalchuri, Bhau (1986). *Meher Prabhu: Lord Meher*. Vol. 11. Myrtle Beach: Manifestation, Inc.
- MacIntyer, Alasdair, 1981, *After Virtue: A Study in moral Theory*, Notre Dame: University of Notre Dame.
- Rawls, John, 1987, *The Idea of an Overlapping Consensus*, *Oxford Journal of Legal Studies*, 7, 1- 25.
- Rawls, John, 1993, *Political Liberalism*, New York: Columbia University.
- MacIntyre, Alasdair, The Nature of the Virtues, in *The Hastings Center Report*, Published By: The Hastings Center, Vol. 11, No. 2 (Apr., 1981), <https://doi.org/10.2307/3561072>. pp. 27-34 (8 pages)
- <https://doi.org/10.2307/3561072>